

شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی و غلظت اکسیژن محلول با کاربرد مدل CE QUAL W2 (مطالعه

موردی: سد گرشا)

چکیده

بروز فرآیندهایی نظیر لایه‌بندی حرارتی و تغذیه گرایی در مخازن موجب افت شدید کیفیت آب و عدم تأمین حد مطلوب برای مصارف مختلف و به مخاطره افتادن حیات آبی اکوسیستم پایین‌دست می‌گردد. امروزه مخزن بسیاری از سدهای کشور با مشکلات کیفیت آب مواجه هستند و کاهش اکسیژن محلول در پایین‌دست در شرایط کم‌آبی و فصول گرم شاید از مهم‌ترین اثرات منفی این مخازن می‌باشد. مدل‌های شبیه‌سازی کیفیت آب مخزن ابزار مناسبی در پیش‌بینی کیفیت آب و برآورد اثر آلودگی‌های کمی کردن میزان و شدت اثرات زیست‌محیطی پس از شروع بهره‌برداری با در نظر گرفتن شرایط فیزیکی و اقلیمی مخزن و جریان رودخانه ورودی می‌باشد. سد مورد مطالعه گرشا در بالادست مخزن سد کوران بوزان در حدود ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان کرمانشاه قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه در مسیر عبور رودخانه بالادست تا محل سد منابع آلودگی متعددی وجود دارد هدف تحقیق حاضر بررسی شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی و اکسیژن محلول در سد مذکور در راستای انجام مطالعات زیست‌محیطی سد گرشا جهت پیشگیری از ایجاد آثار زیان‌بار احداث سد بر محیط زیست منطقه می‌باشد که مطالعات مذکور در سال ۱۳۹۳ انجام پذیرفت. در این راستا ابتدا مدل هیدرودینامیک مخزن سد گرشا به وسیله نرم‌افزار CE QUAL W2 ساخته و کالیبره شد و برای شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی و اکسیژن محلول در سد مذکور مورد استفاده قرار گرفت. مطالعات مربوط به سال ۹۳ می‌باشد. نتایج نشان‌دهنده ایجاد لایه‌بندی حرارتی در فصل تابستان می‌باشد.

واژگان کلیدی: لایه‌بندی حرارتی، اکسیژن محلول، سد گرشا، CE QUAL W2.

مریم کیانی صدر^۱

۱. استادیار گروه محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، همدان، ایران

*مسئول مکاتبات:

mkianysadr@gmail.com

کد مقاله: ۱۳۹۶۰۲۰۳۳۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۳۰

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است.

مقدمه

مخازن سدها یکی از مهم‌ترین منابع آب می‌باشند که برای اهداف ویژه‌ای مانند تأمین آب شهری، کشاورزی، آبیاری و ... مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از جنبه‌های مهم پیش‌بینی اثرات زیست‌محیطی احداث یک سد، پیش‌بینی کیفیت آب مخزن و جریان خروجی از مخزن پس از بهره‌برداری می‌باشد. در این راستا اطلاعات جامع و دقیق در خصوص کیفیت مخازن سدها می‌تواند عامل مهمی در سیاست‌گذاری‌های کلان باشد. بروز فرآیندهایی نظیر لایه‌بندی حرارتی و تغذیه گرایی در مخازن موجب افت شدید کیفیت آب و عدم تأمین حد مطلوب برای مصارف مختلف و به مخاطره افتادن حیات آبی اکوسیستم پایین‌دست می‌گردد. لایه‌بندی یک‌روند مهم تأثیرگذار بر کیفیت آب دریاچه‌ها و مخازن می‌باشد (VPSPC, 2003). لایه‌هایی از جرم‌های سیال که به وسیله اختلاف در دانسیته، درجه حرارت، مواد محلول و یا مواد معلق ایجاد می‌گردند را لایه‌بندی آب عمق مخزن می‌گویند. در اغلب دریاچه‌ها لایه‌بندی نتیجه تعادل حرارتی بین آب نگهداری شده در مخزن و دیگر ورودی‌ها به مخزن می‌باشد (Rockwell, 2005). الگوی لایه‌بندی حرارتی مخازن با توجه به موقعیت و ارتقاء از سطح دریا متغیر است. این تقسیم‌بندی به شرح زیر آمده است:



دریاچه مولومیکتیک: در طول سال کل ستون آب مخلوط است.

دریاچه مرومیکتیک: دریاچه‌هایی که به‌طور کامل مخلوط نمی‌شوند و یک‌لایه کاملاً ساکن و عمیق دارند. اختلاط در این دریاچه‌ها ممکن است بر اثر پدیده‌های شیمیایی و بیولوژیک و یا فیزیکی اتفاق بیافتد. هیپولیمنیون این‌گونه دریاچه‌ها معمولاً فاقد اکسیژن است.

دریاچه‌های مونومیکتیک: فقط یک‌بار در سال مخلوط می‌شوند. این دریاچه‌ها مونومیکتیک سرد نامیده می‌شوند. اگر دریاچه در ترازهای پایین‌تر و عرض‌های جغرافیایی کمتر قرار داشته باشد، دمای دریاچه هرگز از ۴ درجه پایین‌تر نمی‌رود و ممکن است در ماه‌های تابستان لایه‌بندی تشکیل شده و در زمستان نیز اختلاط کامل رخ دهد. این دریاچه‌ها مونومیکتیک گرم نامیده می‌شوند.

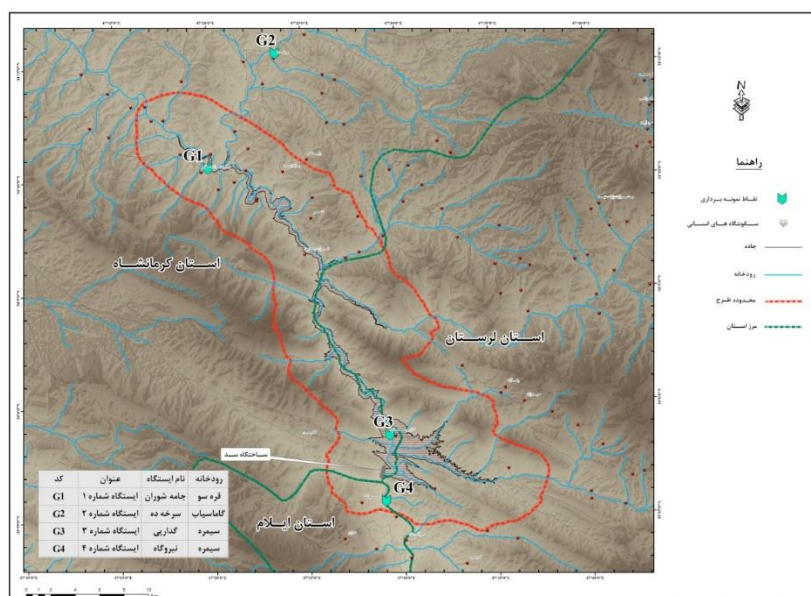
دریاچه‌های دیمیکتیک: دوبار در سال مخلوط می‌شوند.

دریاچه‌های پلی‌میکتیک: دارای اختلاط‌های متعدد و یا حتی پیوسته هستند. توزیع قائم کیفی این دریاچه‌ها معمولاً متغیر است. دریاچه‌های اولیگومیکتیک: این دریاچه‌ها که در مناطق استوایی بیشتر دیده می‌شوند. غالباً "لایه‌بندی شده‌اند (به‌طور پیوسته) و بندرت مخلوط می‌شوند.

دریاچه‌های امیکتیک: این دریاچه‌ها به دلایلی مانند تمرکز بسیار بالای مواد محلول و در نتیجه چگالی معمولاً مخلوط نمی‌شوند (Caruso, 2000).

Palmer روش‌های تشخیص و اندازه‌گیری لایه‌بندی حرارتی را در دو گروه تقسیم‌بندی کرد: ۱- اندازه‌گیری مستقیم دما و کیفیت آب در لایه‌های مختلف مخزن که در مورد مخازن موجود به کار می‌رود. ۲- استفاده از مدل‌های شبیه‌سازی کیفی برای تخمین پتانسیل لایه‌بندی حرارتی که این مورد برای سدهای پیشنهادی یا مخازن فاقد اندازه‌گیری‌های میدانی کاربرد دارد (Palmer, 2001). روش دوم یعنی مدل به‌طور کلی ایده‌ای از فرآیندهای دنیای واقعی محسوب می‌شود و قابلیت اساس روابط و معادلات بین اجزا و مشخصه‌های فیزیک و شیمیایی و بیولوژیکی آب به شبیه‌سازی روابط علت و معلولی بین آلاینده‌ها و کیفیت آب می‌پردازد. بنابراین رویکرد مدل‌سازی در پیش‌بینی اثرات زیست‌محیطی احداث سدها یک رویکرد مهندسی با تکیه بر نتایج تحلیلی فرآیندها و روابط اجزا مؤثر در این مسئله است که در تعیین دقیق‌تر اثرات اهمیت دارد. بنابراین مدل‌های شبیه‌سازی کیفیت آب مخزن ابزار مناسبی در پیش‌بینی کیفیت آب و برآورد اثر آلودگی‌ها و کمی کردن میزان و شدت اثرات زیست‌محیطی پس از شروع بهره‌برداری با در نظر گرفتن شرایط فیزیکی و اقلیمی مخزن و جریان رودخانه ورودی می‌باشد (Gelda et al., 2000). برای اولین بار در سال ۱۹۵۳ مقوله‌ی لایه‌بندی حرارتی در ایالات متحده آمریکا توسط سازمان ارتش آمریکا بر روی مخازن آب مورد بررسی قرار گرفت. Kurup و همکاران در سال ۲۰۰۰ به مقایسه دو مدل CE QUAL W2 و TISAT پرداختند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که مدل CE QUAL W2 نتایج دقیق‌تری نسبت به مدل TISAT به‌ویژه در خصوص لایه‌بندی فصلی چگالی ارائه می‌دهد (Kurup et al., 2000). Kuo و همکاران در سال ۲۰۰۶ به مدل‌سازی لایه‌بندی حرارتی آب در چن سد با استفاده از مدل CE QUAL W2 پرداختند و نتایج قابل قبولی به دست آوردند (Kuo et al., 2005). Diogoa و همکاران در سال ۲۰۰۸ نیز به مقایسه دو مدل CE QUAL W2 و SNTMP برای شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی پرداختند. نتایج این مطالعه نیز نشان‌دهنده دقیق‌تر بودن نتایج مدل CE QUAL W2 می‌باشد (Diogoa et al., 2008). Liu و Huang نیز در سال ۲۰۰۸ با استفاده از مدل CE QUAL W2 به تعیین پارامترهای مدل در مدل‌سازی کیفیت آب پرداختند. هدف از این مطالعات شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی در فصول مختلف در مخزن سد گرشا می‌باشد. با توجه به خصوصیات هندسی مخزن سد گرشا مدل ce-qual-w2 برای شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی مخزن سد گرشا پیشنهاد شد. مهم‌ترین نکاتی که برتری مدل ce-qual-w2 را نسبت به سایر مدل‌ها مشخص می‌نماید موارد زیر می‌باشد: سازگاری شکل هندسی مخزن با شرایط دوبعدی، در نظر گرفتن توپوگرافی بستر (بسیمتری) در مدل ce-qual-w2 که اطلاعات آن موجود است، پیش‌بینی بهتر شرایط لایه‌بندی حرارتی مخزن با توجه به داده‌های هواشناسی و جریان ورودی. سد گرشا باهدف تولید انرژی برقی و کنترل و تنظیم جریان‌های سطحی بر روی رودخانه سیمره که از سرشاخه‌های اصلی رودخانه کرخه می‌باشد، احداث خواهد شد. رودخانه گرشا، شاخه کوچکی است که به قره‌سو متصل می‌گردد. محل در نظر گرفته‌شده سد گرشا، محدوده‌ای

پس از اتصال گرشا به قره‌سو می‌باشد. سد گرشا از نوع مخزنی است و با احداث آن انرژی کل تولیدشده سالانه در حدود ۴۸۶ گیگاوات ساعت خواهد بود. از این مقدار ۳۳۸ گیگاوات ساعت در سال انرژی مطمئن و ۱۴۸ گیگاوات ساعت در سال انرژی ثانویه می‌باشد. سد گرشا با آورد متوسط ۲۰۹۴ میلیون مترمکعب بر سال در حال مطالعه می‌باشد. حجم آورد رسوب ۵۰ ساله آن ۲۹۶/۵ میلیون مترمکعب برآورد شده است. طرح حجم تنظیمی مخزن سد حدود ۱۴۴۵/۴ میلیون مترمکعب می‌باشد. نوع سد، سنگریزه‌ای با هسته رسی و ارتفاع آن از بستر حداکثر ۱۵۳ متر می‌باشد. طول تاج سد حدود ۶۰۰ متر و سرریز آن از نوع آزاد می‌باشد. همچنین سیستم انحراف سد از نوع فرازبند و تونل انحراف پیش‌بینی شده است. تعداد تونل‌های انحراف دو رشته و محل قرارگیری آن در جناح چپ می‌باشد. نوع فرازبند خاکی و تراز تاج آن ۱۱۳۳ متر از سطح دریا است. قطر تونل‌های انحراف نیز ۹ متر و طول هر یک از آن‌ها ۷۰۰ متر است. اطلاعات فنی مربوط به سد گرشا در جدول ۱ ارائه شده است. نقشه موقعیت مخزن سد گرشا به همراه ایستگاه‌های نمونه‌برداری آب که نتایج آن به‌عنوان داده‌های ورودی نرم‌افزار مورد استفاده قرار گرفت، در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱: نقشه موقعیت مخزن سد گرشا در حوزه آبخیز به همراه ایستگاه‌های نمونه‌برداری.

جدول ۱: مشخصات سد گرشا.

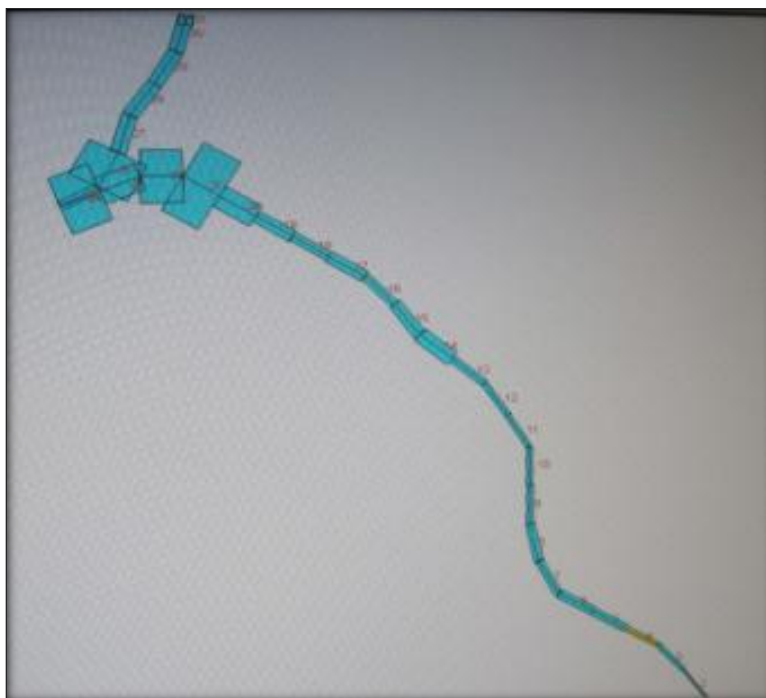
ردیف	عنوان	مقدار
۱	عرض جغرافیایی	۳۳° ۵۷'
۲	طول جغرافیایی	۴۷° ۲۸'
۳	نوع سد	سنگریزه‌ای با هسته رسی
۴	تراز نرمال (متر از سطح دریا)	۱۲۴۴
۵	تراز حداقل بهره‌برداری (متر از سطح دریا)	۱۲۰۰
۶	تراز پایین تر از آبگیر نیروگاه (متر از سطح دریا)	۱۱۶۷
۷	تراز کف مخزن (متر از سطح دریا)	۱۰۹۷
۸	طول دریاچه مخزن سد در تراز نرمال	۴۷/۷۳KM

ردیف	عنوان	مقدار
۹	متوسط دبي ورودی به مخزن	۶۵/۸۳ مترمکعب بر ثانيه در ۲۴ ساعت
۱۰	عمق متوسط مخزن	۵۹/۵ متر
۱۱	حجم مخزن در تراز نرمال زمان بهره‌برداري	۱۰۸۸/۷۵ ميليون مترمکعب
۱۳	حجم کل مخزن	۱۳۸۵ ميليون مترمکعب
۱۴	متوسط درازمدت آبدهي طبيعي رودخانه سيمره در محل گرشا	۶۶/۵۴ (مترمکعب بر ثانيه)
۱۵	تخير از سطح آزاد آب (ميلي متر)	۱۴۷۴
۱۶	ميانگين بارندگی سالانه (ميلي متر)	۳۸۴/۷

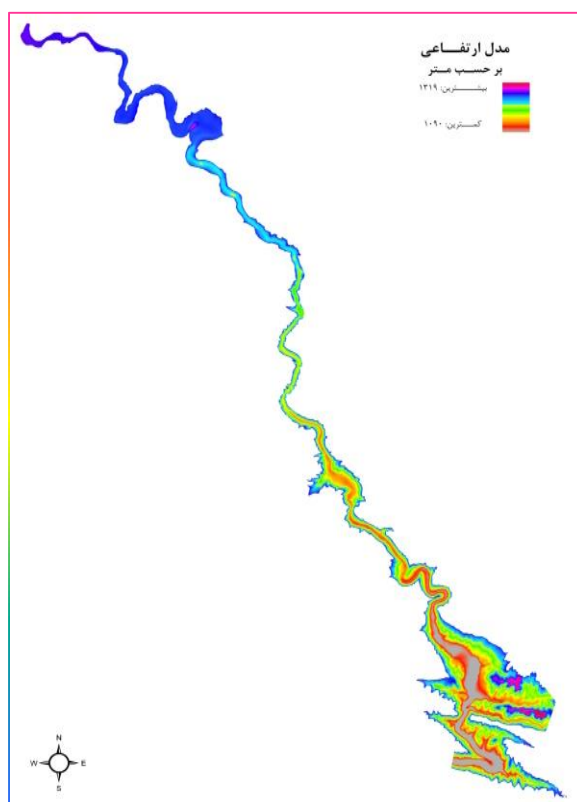
مواد و روش‌ها

مدل CE QUAL W2 توسط گروه مهندسين ارتش آمريکا توسعه‌يافته که قابليت شبيه‌سازی فرآيندهای هيدروديناميکی و کيفی را دارد. اين مدل برای مخازن توسعه‌يافته است ولی می‌توان برای رودخانه‌ها و خورها نيز به کار رود. اين مدل دوبعدی از روش حل اختلاف محدود استفاده نموده و قابليت شبيه‌سازی توزيع قائم و طولی انرژی حرارتي و مواد شيميايي و بيولوژيکی انتخاب‌شده در توده آبی را در طول زمان دارد. اين مدل قادر به شبيه‌سازی حجم، سطح آب، چگالی، سرعت‌های قائم و طولی و غلظت اجزای کيفی آب می‌باشد. اين مدل برای مخازن و درياچه‌های نسبتاً طولانی و باريک جهت نمايش پارامترهای کيفی به‌صورت نيمرخ قائم و طولی بسيار مناسب می‌باشد (Zhang and Johnson, 2014).

مدول شبيه‌سازی هيدروديناميکی جريان غيردائمی، تغييرات چگالی و تأثيرات آن را بر جريان اعمال می‌کند. مدول کيفی مدل مذکور قابليت مدل‌سازی حدود ۳۰ پارامترهای فزيکی (مثل دما و جريان) و فاکتورهای شيميايي (مثل مواد مغذی) را مدل‌سازی می‌نمايد. تراز سطح آب به‌صورت غيرصریح (implicit) محاسبه می‌شود و لذا محدوديت امواج سطحی ثقیل بر گام زمانی حذف می‌شود. اين بدان معنا است که اجازه گام‌های بزرگ‌تر زمانی در دوره شبيه‌سازی سبب کاهش زمان محاسبات خواهد شد (Chung and J.K, 2006). حداقل داده‌های اصلی موردنياز نرم‌افزار عبارت بودند از: توپوگرافي منطقه و نقشه‌های بسيمتری مربوط به هندسه مخزن، سری زمانی دمای آب ورودی، سری زمانی دبي ورودی، پارامترهای کيفی آب شيرين و شور، اطلاعات هواشناسی شامل (دمای هوا، دمای نقطه شبنم، سرعت باد، جهت باد، پوشش ابر، تغييرات تراز آب از ايستگاه هواشناسی)، نيمرخ‌های دما و ساير پارامترهای کيفی موردنياز (برای شرايط اوليه)، ضريب اضمحلال نور در عمق، نرخ واکنش‌های شيميايي و بيولوژيکی شامل: نرخ کاهش نيترات (1/day)، نرخ دنيتريکاسيون نيترات (1/day)، غلظت اوليه رسوب (mg/1)، تراز جزر و مدی در دهانه به‌عنوان شرايط مرزی پايين‌دست (Cole and Wells, 2008). جهت تدوين مدل شبيه‌سازی کيفی منتخب برای مطالعات حاضر، شکل مخزن موردبررسی قرار گرفت. شکل مخزن گرشا به‌صورت یک شاخه بوده، مرحله اول در تدوين مدل، قطعه‌بندي شکل مخزن به‌صورت مناسب ۱۵۰۰ تا ۴۰۰ متر می‌باشد. برای اين منظور مخزن سد گرشا به ۳۰ قطعه ۱۵۰۰ متری و دو قطعه ۴۰۰ متری تقسيم شد (شکل ۲). در مرحله بعدی بايستی روابط سطح-ارتفاع هر یک از اين قطعات محاسبه گردد که برای اين منظور نقشه توپوگرافي بستر مخزن به کار گرفته شد. با پردازش اين منحنی‌های تراز در محيط GIS، مدل رقومی هر یک از قطعات به‌صورت ارائه‌شده در شکل ۳ تهيه و روابط سطح-ارتفاع برای هر یک از اين قطعات محاسبه گرديد.



شکل ۲: نمایی از قطعه‌بندی مخزن سد گرشا توسط نرم‌افزار CE QUAL W2.



شکل ۳: مدل رقومی ارتفاع بستر مخزن.

جهت بررسی تغییرات کیفی مخزن در عمق، لازم است که دریاچه مخزن به لایه‌های با عمق‌های مناسب تقسیم‌بندی گردد. لذا با توجه به قابلیت‌های مدل لایه‌های مخزن در ۲ رده‌ی ۳ متری و ۲/۵ متری در جهت عمودی تقسیم‌بندی شده‌اند. دولا به عمقی ابتدایی به فواصل ۲/۵ متری و ۳/۸ لایه باقیمانده به فواصل ۳ متری تقسیم‌بندی شدند. برای ساخت مدل داده‌های سال آبی ۸۰ تا ۹۳ مورد استفاده قرار گرفت. گام بعدی در شبیه‌سازی رژیم حرارتی مخزن سد گرشا کالیبراسیون مدل جهت تنظیم آن برای شرایط حاکم بر محدوده مطالعاتی می‌باشد. درواقع هدف از کالیبراسیون مدل دستیابی به ضرایب درستی از مدل برای دستیابی به بهترین نتایج در مقایسه با داده‌های مشاهده‌شده می‌باشد. با توجه به اینکه هدف از این مطالعه شبیه‌سازی مخزن سد در حال مطالعه گرشا است لذا تنها کالیبراسیون ممکن به پارامترهای هیدرولیکی محدود می‌شود. جهت کالیبراسیون هندسه مخزن نیز از نتایج به‌دست‌آمده حاصل از نقشه‌های رقومی قطعات استفاده شد، بدین‌صورت که حجم قطعات در ترازهای مختلف محاسبه و این مقادیر با فرمت ویژه وارد مدل گردید. با اجرای فایل آماده‌سازی مدل، نتایج محاسبات حجم - ارتفاع مخزن، توسط مدل در یک فایل ذخیره شد. با مقایسه این نتایج و رابطه حجم - ارتفاع واقعی مخزن، مقادیر حجم - ارتفاع ورودی در صورت وجود اختلاف معنی‌دار، اصلاح می‌گردد. با توجه به اینکه در این مطالعات روابط سطح، حجم - ارتفاع بدست آمده با استفاده از نقشه رقومی قطعات محاسبه و وارد مدل گردید، لذا حتی در مرحله اول نیز اختلاف معنی‌داری با رابطه واقعی نشان نداد، باین‌حال، جهت تدقیق سطح - حجم - ارتفاع مدل و روابط ورودی مدل کالیبره گردید. یکی از قابلیت‌های مهم مدل ce-qual-w2 شبیه‌سازی لایه‌بندی حرارتی و پیش‌بینی تغییرات دمایی در راستای قائم مخزن در شرایط مختلف می‌باشد. میزان تبادل گرمایی بین آب و محیط در پروفیل حرارتی مخزن بسیار مهم است. این مقدار شامل اجزا مشخص‌شده در رابطه ۱ می‌باشد:

$$H_n = H_s + H_a + H_e + H_c - (H_{sr} + H_{ar} + H_{br})$$

که در آن:

$$H_n = \text{نرخ خالص تبادل گرمایی در امتداد سطح آب (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_s = \text{تشعشع با طول موج کوتاه لحظه‌ای (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_a = \text{تشعشع با طول موج بلند لحظه‌ای (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_{sr} = \text{اشعه با طول موج کوتاه منعکس شده (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_{ar} = \text{اشعه طول موج بلند منعکس شده (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_{br} = \text{اشعه برگشتی از سطح آب (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_e = \text{افت ناشی از تبخیر (Wm}^{-2}\text{)}$$

$$H_c = \text{هدایت گرمایی (Wm}^{-2}\text{)}$$

تشعشع طول موج کوتاه خورشید یا به‌طور مستقیم اندازه‌گیری می‌شود و یا از روابط زاویه تابش خورشید و پوشش ابر محاسبه می‌شود. مقدار تشعشع طول موج بلند از دمای هوا و پوشش ابر و فشار بخار هوا با استفاده از فرمول Brants در مدل محاسبه می‌شود. در پروژه گرشا با توجه به عدم اندازه‌گیری این مقادیر توسط مدل محاسبه‌شده‌اند. معادله سایر پارامترهای موجود در رابطه ۱ به شرح زیر می‌باشند:

$$H_{br} = \epsilon \sigma (T_s + 273.15)^4 \quad \text{رابطه ۱: مقدار اشعه برگشتی از سطح آب}$$

که در آن E مقدار قابلیت انتشار آب و σ ثابت استفان بولتزمن، T_s مقدار دمای آب برحسب درجه سلسیوس است.

$$H = f(W) (e_s - e_a) \quad \text{رابطه ۲: افت ناشی از تبخیر}$$

$f(W)$: برابر تابع سرعت تبخیری باد و e_s معادل مقدار فشار بخار اشباع در سطح آب و e_a مقدار فشار بخار اتمسفری می‌باشد.

$$H = C_c f(W) (T_s - T_a)$$

رابطه ۳: هدایت گرمایی

C_c ضریب Bowen و T_a دمای هوا (درجه سانتی‌گراد) می‌باشد.

$$H(z) = (1 - R)H_s e^{-n}$$

رابطه ۴: تشعشع با طول موج کوتاه در عمق Z

که β درصد جذب اشعه در سطح آب و η ضریب کاهش و H_s مقدار اشعه خورشید در سطح می‌باشد.

$$f(w) = a + bw^c$$

رابطه ۵:

a ، b و c ضرایب تجربی و w سرعت باد در ۲ متری سطح زمین است که این ضرایب بیشترین عدم قطعیت در مدل را ایجاد می‌کنند (Cole and Wells, 2006). تحلیل حساسیت مدل یکی از روش‌های تحلیل عدم قطعیت مدل است (Dai et al., 2012) و در این روش جهت بررسی عدم قطعیت مدل، پارامترهایی که در پروفیل لایه‌بندی حرارتی مخزن تأثیر دارند تعیین گردیده و با توجه به دامنه تغییرات مجاز این پارامترها برای حدود بالا و پایین آن در مدل اجرا گردید و نتایج آن مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت مشخص گردید ۲ پارامتر اصلی درجه حساسیت بیشتری نسبت به بقیه پارامترها در لایه‌بندی حرارتی دارند، که عبارت‌اند از:

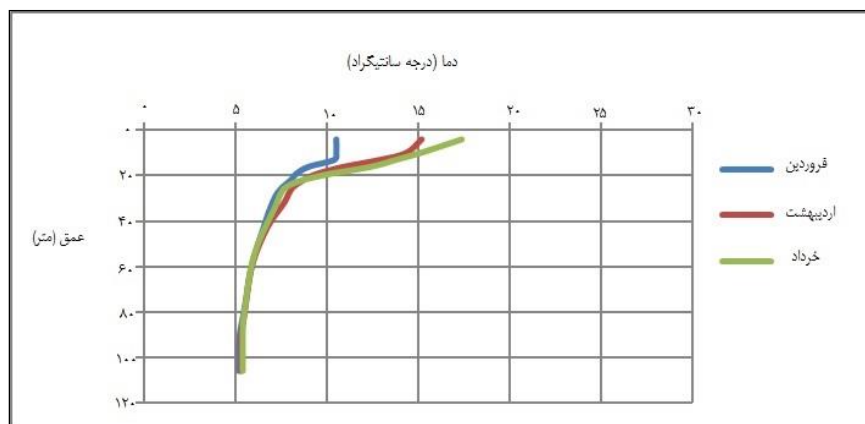
ضریب پوشش باد (WSC): این ضریب یکی از مؤثرترین پارامترها در دمای آب می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که با افزایش و یا کاهش مقدار WSC به میزان ۰/۲، دمای سطح آب در دولا به میزان حدود ۱ درجه به صورت معکوس تغییر می‌یابد.

ضرایب تجربی a ، b ، c در تابع سرعت باد: این ضرایب از تأثیرگذارترین پارامترهای لایه‌بندی حرارتی می‌باشند، با توجه به رابطه ۵ تأثیر پارامتر C به دلیل توانی بودن بیشتر از دو پارامتر a ، b می‌باشد. به‌طور کلی افزایش این پارامترها به دلیل افزایش اثر سرعت باد می‌باشد و موجب کاهش دمای آب تا عمق دولا به می‌گردد.

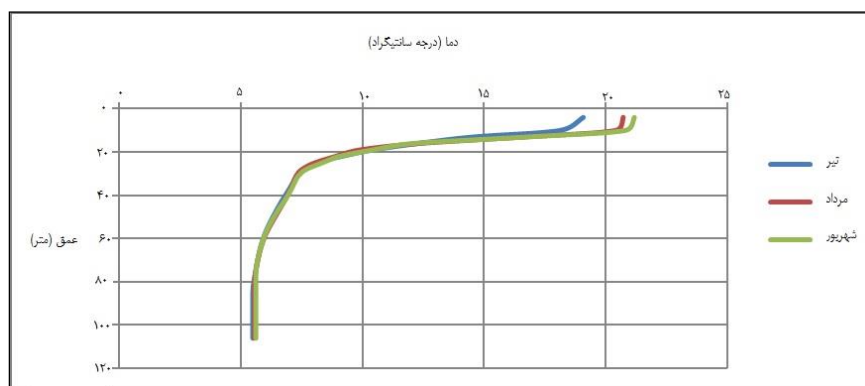
نتایج

بررسی نتایج حاصل از شبیه‌سازی حرارتی نشان می‌دهد که آغاز لایه‌بندی حرارتی مخزن سد گرشا فصل بهار می‌باشد (شکل ۴). به‌گونه‌ای که در ابتدای این فصل لایه‌بندی بسیار ضعیفی در مخزن شکل می‌گیرد. در اردیبهشت‌ماه بر اثر وزش باد اختلاط عمودی آب تا حدودی باعث کاهش تفاوت دمایی سطح و کف مخزن می‌گردد. اما به تدریج با افزایش دمای هوا نسبت به سطح اختلاط عمودی آب، تفاوت دمایی در حدود ۱۰ درجه سانتی‌گراد در خردادماه ایجاد می‌شود. اما هنوز لایه‌بندی حرارتی مشخصی در مخزن سد ایجاد نگردیده است. دلایل اصلی تغییرات دما در سطح آب تماس حرارتی با اتمسفر و تغییرات میزان تابش خورشیدی است. انتقال حرارت از سطح به عمق بیشتر تحت تأثیر تشعشعات خورشیدی، تشعشعات موج‌بلند اتمسفر، جریان‌ات حرارتی مرتبط با رندگی، جریان‌ات ورودی و خروجی سطحی و زیرزمینی و تماس حرارتی با بستر دریاچه است (Imboden and Wu est, 1995). با شروع تابستان و گرم شدن هوا تفاوت دمایی سطح و کف افزایش می‌یابد و شرایط برای ایجاد لایه‌بندی حرارتی شدید ایجاد می‌گردد (شکل ۵). به این نحو که مقدار حرارت جذب‌شده توسط آب سطحی بیشتر می‌شود اما از آنجاکه این حرارت جهت یکسان کردن توزیع عمودی درجه حرارت کافی نمی‌باشد، لذا باعث تقویت لایه‌بندی حرارتی می‌گردد. این روند تا اوایل پاییز ادامه می‌یابد و با کاهش دمای هوا و دمای آب ورودی، دمای آب سطحی مخزن نیز کاهش می‌یابد (شکل ۶). با کاهش تدریجی دمای هوا لایه‌بندی تقریباً به قوی‌ترین حالت خود می‌رسد. این امر در آبان ماه به‌خوبی مشهود می‌باشد. در آذرماه با کاهش بیش‌ازحد انرژی حرارتی ورودی به مخزن و سرد شدن لایه سطحی و وزش باد از سوی دیگر اختلاط شدید لایه سطحی با لایه‌های پایینی باعث کاهش تفاوت دمایی آب سطحی و کف می‌گردد.

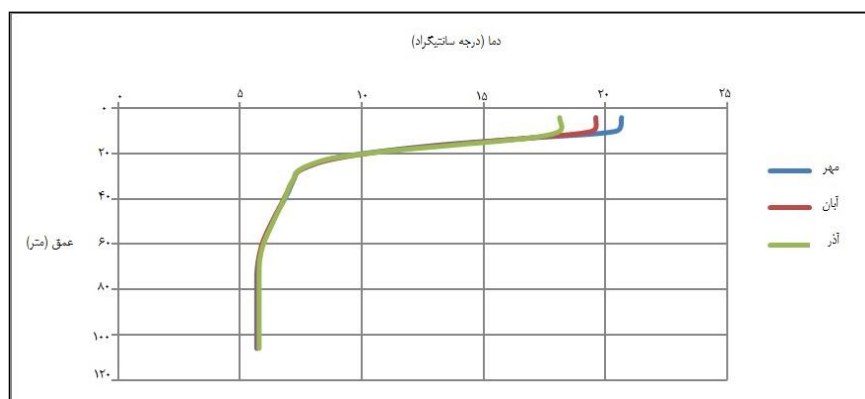
این امر سبب کاهش تفاوت دمایی می‌شود. با شروع فصل زمستان و کاهش شدید دمای هوا و دمای آب ورودی، دمای آب در تمامی مخزن به تدریج همگن شده و در اوایل اسفندماه گردش کامل رخ می‌دهد (شکل ۷).



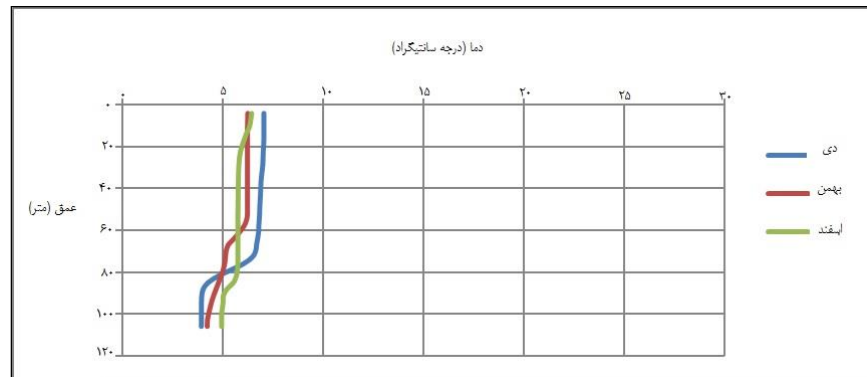
شکل ۴: پروفیل دما در نزدیکی محور سد گرشا در فصل بهار.



شکل ۵: پروفیل دما در نزدیکی محور سد گرشا در فصل تابستان.

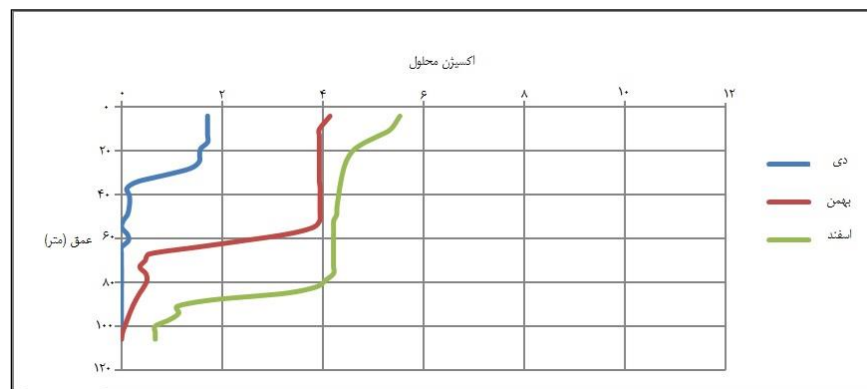


شکل ۶: پروفیل دما در نزدیکی محور سد گرشا در فصل پاییز.

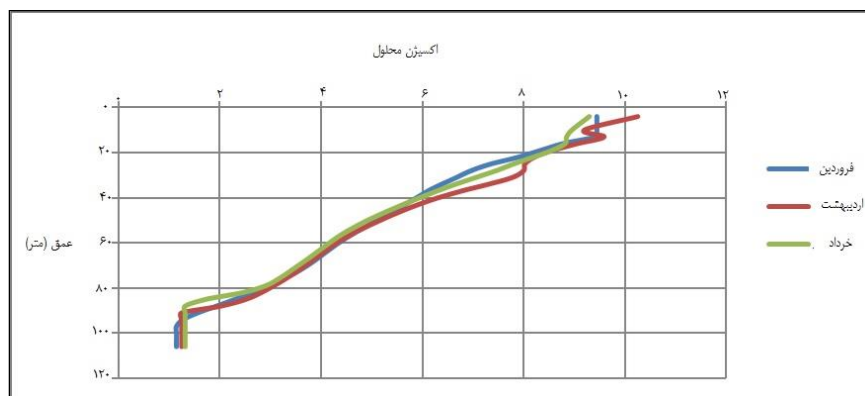


شکل ۷: پروفیل دما در نزدیکی محور سد گرشا در فصل زمستان.

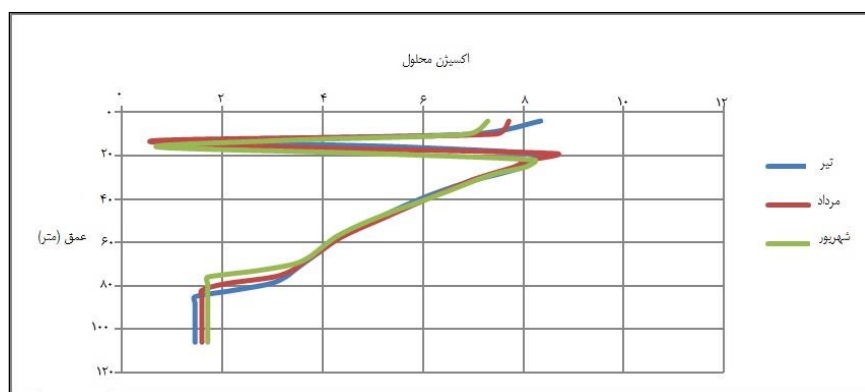
در مرحله بعد میزان اکسیژن محلول در مخزن سد گرشا شبیه سازی شد. این پارامتر به عنوان مهم ترین پارامتر کیفی از لحاظ حیات آبریان مخزن اهمیت دارد. به منظور مشاهده نحوه توزیع اکسیژن محلول در مخزن سد، تغییرات غلظت اکسیژن محلول نسبت به عمق مخزن در روزهای مختلف سال مدل سازی شد. اکسیژن محلول سیستم از طریق فتوسنتز جلبک ها و اتمسفر تأمین می شود. از طرفی فرآیند نیتریفیکاسیون، تنفس جلبک ها و تجزیه مواد آلی محلول باعث مصرف اکسیژن محلول می گردند (Kannel, 2011). در شکل های شماره ۸ تا ۱۱ پروفیل عمقی تغییرات اکسیژن محلول در ماه های مختلف در محل محور سد گرشا ارائه شده است. مطابق این شکل ها در دی ماه مخزن از نظر تغییرات DO تقریباً به حالت اختلاط کامل درمی آید. غلظت اکسیژن محلول در ماه های فروردین، اردیبهشت و خرداد در سطح آب به شدت افزایش می یابد. این امر به علت فتوسنتز جلبک ها در این ماه ها می باشد. کمترین اکسیژن محلول در زیر لایه معادل ۰ میلی گرم در لیتر در ماه دی و آذر رخ می دهد و بیشترین اکسیژن محلول در سطح آب در ماه اردیبهشت برابر ۱۰/۲ میلی گرم در لیتر می باشد.



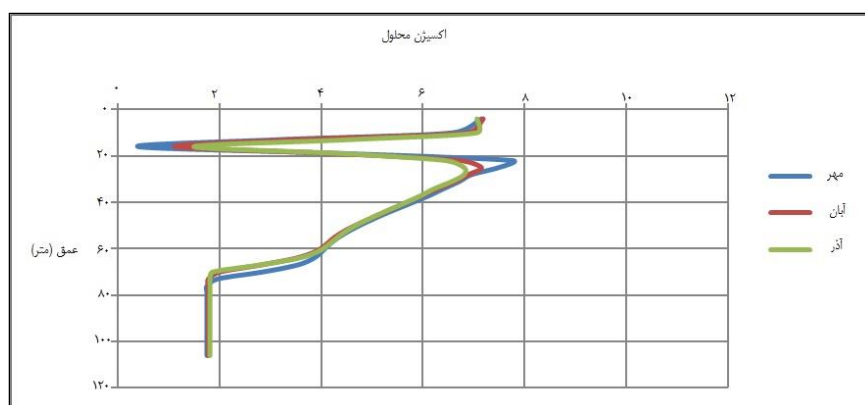
شکل ۸: پروفیل اکسیژن محلول در نزدیکی محور سد گرشا در فصل زمستان.



شکل ۹: پروفیل اکسیژن محلول در نزدیکی محور سد گرشا در فصل بهار.



شکل ۱۰: پروفیل اکسیژن محلول در نزدیکی محور سد گرشا در فصل تابستان.



شکل ۱۱: پروفیل اکسیژن محلول در نزدیکی محور سد گرشا در فصل پاییز.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج مدل شبیه‌سازی لایه‌بندی مخزن سد گرشا در سال یک بار لایه بندی و یک بار اختلاط کامل را نشان می‌دهد و در دسته دریاچه‌های مونومیکتیک قرار می‌گیرد. با توجه به موقعیت کشور ما (از نظر ارتفاع و موقعیت جغرافیایی) بیشتر سدهای کشور در این ناحیه قرار دارند. با مطالعه تغییرات دمای سطح دریاچه‌های مختلف در شرایط آب و هوایی مشابه مشخص شد متوسط دمای روزانه دریاچه‌های مختلف، مشابه است و فقط در بهار تفاوت کوچکی بین آن‌ها وجود دارد. در تابستان دریاچه‌های کوچک‌تر به جذب گرمای سریع‌تری تمایل دارند (Boehrer, 2005). علاوه بر دما، اکسیژن محلول نیز در این تحقیق مورد شبیه‌سازی قرار گرفت. حضور اکسیژن محلول در آب یک علامت مثبت و عدم حضور آن یک علامت منفی در جهت آلودگی است (Kuo et al., 2006). علائم کمبود شدید اکسیژن محلول تغییر کیفیت آب و فقدان حیات آبزیان در منابع آب است. آب‌های دارای اکسیژن محلول زیاد به‌عنوان اکوسیستم‌های پایدار و سالم موردتوجه بوده و برای مصرف تقریباً در همه‌جا از الویت برخوردار هستند (Chapman, 2002). بیشتر اکسیژن محلول از اتمسفر وارد آب می‌شود و همچنین تلاطم و خروشان بودن آب نیز به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای میزان اکسیژن محلول را بالا می‌برد. از سوی دیگر گیاهان و برخی جلبک‌های آبزی نیز طی مدت روز با فرایند فتوسنتز میزان زیادی اکسیژن به‌صورت محلول وارد آب می‌کنند. دما و دبی آب از مؤثرترین عوامل در تعیین DO هستند. گازها از جمله اکسیژن به‌راحتی در آب‌های سرد محلول‌اند. لذا منابع آب با دمای پایین‌تر عموماً DO بیشتری دارند (Fuentetaja, 1999). نتایج نشان داد میزان غلظت اکسیژن محلول با افزایش ارتفاع کاهش می‌یابد اما در میان لایه میزان کاهش اکسیژن به دلیل تغییرات دمای فاحش این لایه نسبت به سایر لایه‌ها بیشتر است. بر اساس نتایج مدل شروع لایه‌بندی با شروع فصل گرما می‌باشد. به عبارتی اختلاط تقریباً کاملی در زمستان وجود دارد که فرض لایه‌بندی تابستانه را نیز تأیید می‌کند. این اختلاط کامل زمستانه می‌تواند توجه‌کننده افزایش DO در لایه‌های پایین‌تر با شروع فصل بهار باشد، به این صورت که وارونگی ایجادشده در لایه‌بندی موجب اختلاط کیفی مخزن شده و غلظت بالای اکسیژن محلول در لایه‌های فوقانی به لایه‌های زیرین مخزن منتقل شده است. بالا بودن DO در لایه‌های فوقانی در کلیه فصول نشان‌دهنده تعامل خوب این لایه‌ها با اتمسفر می‌باشد. تأخیر زمانی مشاهده‌شده در لایه‌بندی اکسیژن محلول نسبت به لایه‌بندی حرارتی، یک نوع وابستگی موخر را بیان می‌نماید و نشان‌دهنده رابطه علت و معلولی لایه‌بندی حرارتی و لایه‌بندی کیفی می‌باشد. Fataei و همکاران (۲۰۱۴) در تحقیقی تحت عنوان لایه‌بندی حرارتی سد سیمره با استفاده از مدل CE QUAL W2 به نتایج مشابه تحقیق حاضر رسیدند. طبق مطالعات ایشان سد سیمره در سال یکبار با پدیده لایه‌بندی حرارتی و یکبار با پدیده اختلاط کامل روبرو خواهد شد. Ebrahimi و همکاران (۲۰۱۵) نیز در تحقیقی مشابه تحقیق حاضر با عنوان بررسی لایه‌بندی حرارتی در مخزن سد بافت به این نتیجه رسیدند که نه ماه از سال در مخزن سد بافت پدیده لایه‌بندی حرارتی اتفاق می‌افتد. مروت دوست انار کولی و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به بررسی کیفیت آب رودخانه سفیدرود در محدوده شهرستان رودبار پرداختند که در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که میزان (DO) شاخص سلامتی رودخانه در رودخانه سفیدرود مطلوب بوده و بالاتر از حداقل میزان استاندارد آب شرب WHO بوده است. عزیززاده اوصالو و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان بررسی مقطعی روند تغییرات کیفی آب دریاچه پشت سد ارس پارامترهای دیگری مانند آمونیاک، نیتрат و فسفات را نیز موردبررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که آب دریاچه سد ارس در رده آب‌های یوتروف قرار دارد. این تحقیق تأکید بیشتری بر روی تغذیه‌گرایی داشت. شکری و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیق خود به شبیه‌سازی کیفی آمونیوم و نیترات در طول رودخانه گرگر با استفاده از مدل QUAL2KW پرداختند و نتایج نشان داد که مدل تطابق خوبی با واقعیت دارد. مدل مورداستفاده در تحقیق حاضر (CE QUAL W2) نیز دارای قابلیت مشابه مدل QUAL2KW می‌باشد و قادر به شبیه‌سازی کیفی و بررسی عکس‌العمل محیط آبی در اثر ورود آلاینده‌ها می‌باشد و پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده نتایج کاربرد دو مدل برای محیط یکسان جهت ارزیابی و مقایسه مدل‌های مذکور، موردبررسی قرار گیرد.

منابع

- شکری، س.، هوشمند، ع. و معاضد، ه.، ۱۳۹۴. شبیه‌سازی کیفی آمونیوم و نترات در طول رودخانه گرگر با استفاده از مدل QUAL2KW. فصلنامه علمی پژوهشی اکوبیولوژی تالاب، سال ششم، شماره ۲۳، صفحات ۶۸-۵۷.
- علیزاده اوصالو، ژ.، پورآذری، ع.، نکوئی فرد، ع.، صیدگر، م.، یحیی زاده، ی.، شیر، ص. و علیزاده کلشانی، م.، ۱۳۹۴. بررسی مقطعی روند تغییرات کیفی آب دریاچه پشت سد ارس. فصلنامه علمی پژوهشی اکوبیولوژی تالاب، سال ششم، شماره ۲۳، صفحات ۱۴-۵.
- مروت دوست انار کولی، م.، حائری پور، س. و امیر نژاد، رضا، ۱۳۹۴. بررسی کیفیت آب رودخانه سفیدرود در محدوده شهرستان رودبار. فصلنامه علمی پژوهشی اکوبیولوژی تالاب، سال هفتم، شماره ۵۲، صفحات ۴۲-۳۳.
- Bartram, J., 1996.** Water Quality Monitoring: Practical Guide to the Design and Implementation of Freshwater Quality Studies and Monitoring Program. Taylor & Francis.
- Boehrer, B., 2005.** Path of the 2002 Mulde flood through Lake Goitsche, Germany. Verhandlungen des. International Verein Limnology, 29: 369-372.
- Caruso, B., 2000.** Integrated assessment of phosphorus in the Lake Hayes catchment, South Island New Zealand. Journal of Hydrology, 229(3): 168-89.
- Chapman, D.V., 2002.** Water quality assessments (WQA): a guide to the use of biota, sediments, and water in environmental monitoring. 2th Ed. Britain, London, E & FN Spon.
- Chung, S. W. and Oh, J. K., 2006.** Calibration of CE-QUAL-W2 for a Monomictic reservoir in a monsoon climate area. Journal of Water Science and Technology, 54: 29-37.
- Cole, T. M. and Wells, S. A., 2008.** CE-QUAL-W2 a two-dimensional, laterally averaged. Hydrodynamic and Water Quality Model. Version 3.6, User Manual. Instruction Report, Prepared for U.S. Army Corps of Engineers Washington, DC.
- Dai, L., Dai, H. and Jiang, D., 2012.** Temporal and spatial variation of thermal structure in Three Gorges Reservoir: a simulation approach. J. Food Agriculture Environment, 10 (2): 1174-117.
- Diogo, P. A., Fonsecab, M., Coelhoa, P. S., Mateusa, N. S., Almeidaa, M. C. and Rodriguesa, A. C., 2008.** Reservoir phosphorous sources evaluation and water quality modeling in a Tran's boundary watershed. Desalination, 226: 200-214.
- Ebrahimi, M., Jabbari, E. and Abbas, H., 2015.** Simulation of Thermal Stratification and Salinity in Dam Reservoir Using CE-QUAL-W2 Software (Case study: Baft Dam). Journal of Civil Engineering and Urbanism, 5(1): 7-11.
- Fataei, E., Ansari Moghdam, D. and Nasehi, F., 2014.** Prediction of thermal stratification of Seymareh Damusing CEQUAL-W2 Model. Advances in Bioresearch, 5(1): 150-159.
- Gelda, R. K., Brooks, C. M., Effler, S. W. and Auer, M. T., 2000.** Interannual variations in nitrification in a hyper eutrophic urban lake: occurrences and implications. Water research. 34(4): 1107-18.
- Huang, Y. and Liu, L., 2008.** Sensitivity analysis for the identification of important parameters in a water quality model. 2nd International Conference on Bioinformatics and Biomedical Engineering, ICBBE. 3131-3134.
- Imboden, D. M. and Wu'est, A., 1995.** Mixing mechanisms in lakes, in Physics and Chemistry of Lakes. Springer Verlag. 83-138
- Roberts, R.D., 2003. Perspectives on Environmental Monitoring in Freshwater Management, Springer.pp. 23-82.
- Kannel, P. R., 2011.** A Review of Public Domain Water Quality Models for Simulating Dissolved Oxygen in Rivers and Streams. Journal of Environmental Model Assessment, 16: 183-204.
- Kuo, J. T., Lung, W. S., Yang, C. P., Liu, W. C., Yang, M. D. and Tang, T. S., 2006.** Eutrophication modeling of reservoirs in Taiwan. Environmental Modeling and Software, 21: 829-844.
- Kurup, R. G., Hamilton, D.P. and Phillips, R.L., 2000.** Comparison of two 2-dimensional, laterally averaged hydrodynamic model applications to the Swan River Estuary. Mathematics and Computers in Simulation, 51: 627-638.
- Palmer, M. D., 2001.** Water Quality Modeling: Guide to Effective Practice. World Bank Publications.

Pe´rez-Fuentetaja, A., 1999. Significance of dissolved organic carbon in the prediction of thermocline depth in small Canadian Shield lakes. *Journal of Aquatic Ecology*, 33(2):127–133.

Rockwell, D. C., 2005. The US EPA Lake Erie indicators monitoring program 1983-2002: Trends in phosphorus, silica, and chlorophyll a in the central basin. *Journal of Great Lakes Research*, 31(2): 23-34.

Vice President of Strategic Planning and Control (VPSPC),, 2003. Reservoir water quality monitoring guidelines, 522: 140-47.

Zhang, Z. and Johnson, B. E., 2014. Aquatic Nutrient Simulation Modules (NSM) Developed for Hydrologic and Hydraulic Models. ERDC/EL TR-14-X. U.S. Army Engineer Research and Development Center, Vicksburg, MS.

